

نکته‌هایی از معارف حسینی

دکتر محمد حسین مردانی نوکنده

وسعت زمان، مکان و موضوع عاشورا

شرط تحلیل صحیح هر نهضتی این است که اول «صاحب آن نهضت» و شخصیت آن شخص جریان ساز شناخته شود و با توجه به جایگاه و مقامش، کار او را تحلیل کرد، جز آن در تحلیل دچار اشتباه خواهیم شد. خالق جریان عاشورا، انسان کامل، معصوم و سرور جوانان اهل بهشت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام است. انسانی که به فرموده امام حسن مجتبی علیه السلام قبل از اینکه به دنیا بیاید فقیه، باب الله، سبیل الله، صراط الله و وجه الله اعظم و مانند اینها بود؛ پس به قصه کربلا باید از افقی بالاتر نظر کنیم.

بنابراین اگر جغرافیای عاشورا «کربلا» و زمانش «عاشورای ۶۱ق» و موضوعش «تشکیل حکومت» در نظر گرفته شود، تحریف عاشورا و ظلم به آن حضرت است. بلکه عاشورا جریانی است که از عالم میثاق شروع شده و تا قیامت را در برمی گیرد و جغرافیای آن کل ارض و موضوعش درگیری نور با ظلمت، عقل با جهل و «ساحت عرشی» انسان با «قشر فرشی بشر» است. یعنی عظمت اباعبدالله مانع از این است که قصه کربلا را در زمان و مکانی خاص محدود و موضوع آن را تا دعوا بر سر یک حکومت تنزل دهیم. از همین رو بود که اباعبدالله فرمود «مَثَلِي لَا يُبَايِعُ مِثْلَهُ؛ مثل منی با مثل یزید بیعت نمی کند» و این یعنی «كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورَاءُ وَ كُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَاءُ». موضوع و موضع کربلا، دعوا بر سر حکومت



نبود؛ بلکه دعوا، دعوی «بخش انسانی» با «بخش حیوانی» بود. سخن امام حسین علیه السلام این بود که چرا بخش ملکوتی و وجه الهی انسان معطل مانده و جامعه از من می خواهد که حاکمیت یک سگ باز میمون باز را بپذیریم؟! این قیام، قیام نور علیه ظلمت؛ عقل علیه جهل و فطرت علیه افسارگسیختگی غرایز بود. دعوا سر حفظ کرامت انسان و حفظ هدف از آفرینش و خلقت انسان بود. لذا پیام عاشورا پیامی برای کل بشریت و به وسعت پهنای تاریخ است.

سیدالشهداء علیه السلام راه نجات

انسان واقعا موجود پیچیده و دارای لایه های زیرینی در نفس است که حتی خود نیز از آنها خبر ندارد؛ پس چه باید کرد؟ «و سِالَاحُهُ الْبُكَاءُ» یعنی جز گریه راه دیگری نداریم. مشکلات نوزاد را بزرگترها حل می کنند اما به شرط اینکه نوزاد گریه کند. مشکل انسان را خدا حل می کند و او را بر شیطان و صفات زشت مخفیش پیروز می کند اما به شرط اینکه گریه کند. مشکل دیگر این است که گریه کردن کار آسانی نیست، اما این مشکل را خدا با امام حسین علیه السلام حل کرده، ان لقتل الحسین حراره فی قلوب المومنین لاتبرد ابدا. لذا نقش امام حسین علیه السلام در سعادت انسان معلوم می شود. امام حسین علیه السلام اشک مومن را جاری می کند، اشک که آمد رحمت خدای مهربان بر غضبش سبقت می گیرد و آلودگی های سر انسان پاک می شود. یادمان نرود که خدا خود را به رحمت معرفی کرده و هیچ چیز مثل اشک، رحمت را به غلیان نمی آورد و هیچ واسطه ای در اشک مثل قتل ارباب کمک کار انسان نیست. اَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ است و هیچ سلاحی مثل اشک پاک کننده آلودگی های درون نیست.

کربلا تسبیح عملی خداوند

هیچ گاه به عمل خودتان نگاه نکنید (چه عمل خوبتان و چه عمل بدتان)؛ بلکه امید و تکیه گاه و توکلتان فقط حسن ظن به خدا باشد؛ چون اگر بد کرده ای، دست تو بسته است، اما دست خدا بسته نیست و او حتی سیئه را به حسنه تبدیل می کند (یا مبدل السيئات بالحسنات). و اگر کار خوبی کرده ای باز هم توجه و امیدت فقط به خدا

و حسن ظن به خدا باشد. و الا اگر گفتمی من چنین و من چنان و به عملت تکیه دادی دچار کبر و سقوط می شوی، همانطور که شیطان شد. شاید شیطان با آن همه عبادت فکر می کرد او خلیفه می شود. بعد دید همان یک مشت گلی که سال ها گوشه ای افتاده بود، همان شد خلیفه. پس به خدا سوء ظن پیدا کرد. سوء ظن به خدا عالم را در نگاه انسان تیره و تار می کند؛ چون خدا نور آسمان ها و زمین است (اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ) و پشت کردن به خدا پشت کردن به نور است. فقط به حسن ظن به خدا تکیه کنید و برای این منظور زیاد خدا را تسبیح کنید تا حسن ظن داشته باشید.

کربلا علی رغم همه مشکلات، اما حسن ظن به خدا در آن موج می زند. امام علیه السلام بعد از آن همه عبادات، کمترین اعتراضی نکرد! بلکه فرمود همین که خدا می بیند کافی است. این به خاطر کثرت در تسبیح خدا بود (فِي يُبَيِّنُ أَدْنَى اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ) و ما حصل این تسبیح و تقدیس خداوند «ما رایت الا جمیلا» است. آری! کربلا تسبیح عملی خداوند بود.